



الگوی دفاع مقدس

دکتر حسین اردستانی

دولت‌ها و ملت‌ها در کنش‌های سیاسی و اجتماعی نیازمند الگوهای رفتاری هستند. الگوها می‌توانند به میزان قابل ملاحظه‌ای چگونگی زیست و کیفیت زندگی سیاسی و اجتماعی را قوام بخشیده و به باز تولید نسلی کمک نمایند. به هر میزان الگوها از بن مایه و غنای بیش‌تری برخوردار باشند و جوامع آزمون تجربی آن‌ها را حس کرده باشند، از تأثیرگذاری بیش‌تر برخوردار بوده و ملت‌ها و گروه‌های اجتماعی با اطمینان بیش‌تر می‌توانند به این الگوها اتکاء کرده و در روش‌ها، کنش‌ها و ورود به عرصه‌های مختلف جامعه در سطوح خرد و کلان از آن بهره‌مند شوند. الگو در میان افراد، گروه‌ها، ملت‌ها و دولت‌ها، به مثابه نیاز، قاعده، معیار و در چشم‌انداز وسیع‌تر، به عنوان افق می‌تواند ایفای نقش کرده و رفتارها را در تصمیم‌ها، برنامه‌ها، شکل‌گیری نظام انگیزشی و تولید و مصرف تحت تأثیر قرار داده و سمت و سوی آن‌ها را شکل دهد.

تنوع انسانی و جوامع بشری سبب تنوع الگوها با خاستگاه‌های متفاوت و تفاوت در دقایق این الگوها گردیده است. خاستگاه‌ها و مبانی مؤثر بر پیدایش و شکل‌گیری الگوها و بازتولید آن‌ها در بستر زمان و در تعامل با نیازها، توانایی‌ها، منابع و نیز در ارتباط با الگوهای سایر جوامع، و بالأخره تغذیه مستمر آن از ناحیه فرهنگ و صاحبان اندیشه، این امکان را پدید می‌آورند که برخی الگوها جهانی شده و بر سایر الگوها رجحان پیدا کنند و یا به ترمیم و تکثیر خود پرداخته و با شکل و باطنی نو، جامعه مخاطب را به مسیر جدید رهنمون کرده و سرنوشت آن را دگرگون نمایند.

الگوهای زیست اجتماعی در جوامع مختلف و بر پایه‌ی فرهنگ‌ها، هنجارها و ارزش‌ها از یکدیگر قابل تمایز است. منابع الگوها متنوع و در جامعه‌ها مختلف می‌باشند. ادیان، مذاهب، آداب و سنن و افکار و اندیشه‌های نخبگان، همان‌گونه که ارزش‌ها، هنجارها و فرهنگ‌های رفتاری پدید می‌آورند، در خلق الگوها نیز به جد تأثیرگذار هستند.

و البته الگوها علاوه بر ملت- دولت‌ها، در سطوح محلی نیز وجود دارند و به چپستی و نوع رفتارهای انسانی در جوامع کوچکتر، شکل می‌دهند. مسئله مهم در الگوهای رفتاری، توانایی آن‌ها در فرهنگ‌سازی، انطباق‌پذیری و استمرار بین نسل‌هاست، و این‌که تا چه حد قادر می‌باشند در پارادایم غالب فرهنگ اجتماعی و خرده فرهنگ‌ها نفوذ کرده و دقایق خود را منتقل نمایند؛ و یا در صورت‌بندی فرهنگ سیاسی جامعه تأثیرگذار شوند.

در ایران معاصر و جدید، همواره الگوهای رفتاری متأثر از منابع درونی و بیرونی برای جامعه و گروه‌های اجتماعی وجود داشته‌اند. اما دو عامل بطور بنیادی الگوی رفتاری اقشار و طبقات و نخبگان ایرانی را دگرگون کرده است:

۱. دین و مذهب ۲. فرهنگ و تمدن غربی؛ و دو عامل نیز به خلق الگویی از رفتار موفق شدند که به مدت یک دهه در ایران "عصر طلایی" پدید آمد. این دو عامل عبارتند از انقلاب اسلامی و دفاع مقدس. به نظر نگارنده، دفاع مقدس که ریشه در دین و مذهب داشته است، پدیده‌ی جدید تاریخ ایران است که ما به ازاء تاریخی نداشته و مشابه آن صدر اسلام و عاشورای حضرت سیدالشهداء در سال ۶۱ هـ.ق است که به عنوان الگوی رفتاری از آن بهره‌مند شده است. نقطه اعتناء این سطور "دفاع مقدس" به عنوان الگوی زیست اجتماعی است که فقط از آن دهه‌ی اول انقلاب نبوده است، بلکه جان مایه‌ی دفاع مقدس قادر است به جامعه و انسان ایرانی، زیست انسانی‌تر، عادلانه‌تر، پویاتر، توأم با پیشرفت و عدالت و همراه با استقلال و آزادی و نیز بالندگی منطقه‌ای و جهانی اعطاء کند. به خصوص باید توجه داشت که این الگو در سخت‌ترین شرایط از بوتۀ آزمایش به توان دو موفق بیرون آمده و توانسته ایران و ایرانی را حفظ کند و انسجام درونی را میان اقوام و آحاد ملت و بین دولت و ملت به منصفۀ ظهور برساند. این دو دست‌آورد حداقل در تاریخ معاصر، در جامعه‌ی ایران مفقود بوده و البته پس از دوران دفاع مقدس نیز به دلیل فاصله گرفتن از این الگو با کسری مواجه شده است.

الگوی دفاع مقدس، ستیزش و سلاح و آثار منفی پدیده جنگ نیست، بلکه جان مایه‌ی دفاع مقدس آن است که تجاوز دشمن و احتمال سقوط انقلاب و نظام و از دست رفتن کشور در بحرانی‌ترین وضعیت، به دلیل الگوی رفتاری "من و منافع من" ذیل ارزش‌های خدایی و منافع مردم و آسایش آن‌ها، و حتی "من" فدای آن‌ها، مبدل به تولد جدید ایران گردید تا مردم بتوانند در سایه فداکاری‌ها و تحمل سختی‌های طاقت‌فرسای جوانان و رزمندگان، حیات و هویت جدید و زندگی توأم با پیشرفت و عدالت و معنویت داشته باشند. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: اذا جاء نصرالله و الفتح. و رایت الناس یدخلون فی دین الله افواجا. آن‌گاه که فتح حاصل شد، مردم گروه گروه به دین خدای می‌گروند. یک برداشت از آیه آن است که نخبگان و پیش‌قراولان جامعه باید جلودار باشند تا با اندیشه و مدیریت آن‌ها فتح حاصل شود و مردم بتوانند در فضای بهتر و زندگی مناسب به دین خدا عمل کنند، و این اتفاق در دفاع مقدس افتاد و رهبران و فرماندهان با همت رزمندگان حادثه‌ترین شرایط را تغییر دادند. و این الگو همواره می‌تواند جامعه‌ی ایرانی را از شرایطی وارد شرایط نوین کند.

در الگوی دفاع مقدس، رزمندگان و فرماندهان و رهبران جلوتر از سایرین خطر را پذیرا شده و کم‌تر از آن‌ها واجد بهره‌مندی بودند. برای اسلام و ملت جان و سر و تن اهداء می‌کردند، طلب‌کاری و فزون‌خواهی در الگوی رفتاری آن‌ها تعریف نشده بود، و همه‌ی آن‌ها همواره بدهکار مردم و انقلاب بودند. از رهبر انقلاب تا رزمنده پشت خاکریز تمنای شهادت داشتند تا بقاء ارزش‌ها و ملت ممکن شود و هیچ‌گاه به منافع خود با تفاسیر گوناگون و اغوا کننده

نمی‌اندیشیدند، آفازاده‌ها در جبهه‌ها حضور داشتند، فرزندان رهبر دیروز انقلاب و رهبر کنونی انقلاب در جبهه‌ها همچون فرزندان کارگران کوره‌پز خانه و آش‌پز و پزشک و کارمند و معلم و کشاورز و کارگر و رفته‌گر و ... در خط مقدم با دشمن به نبرد می‌پرداختند، آن روز هم طبقه مستضعف که دارای ظرفیت پذیرش و تحمل امانت الهی بود، بی‌نظیرترین رفتار انسانی را در تراز جهانی اما در پشت خاکریز، یا اهداء دارایی‌های فیزیکی و فرزند به جبهه‌ها، یا اجازه دادن به مسئولین که خانه و کاشانه او را خراب کنند تا امکان عبور لودر و بلدوزر را از کوچه تنگ محله سیروس و خیابان مصطفی خمینی، برای نجات زیر آوار ماندگان میسر شود، از خود نشان داد. پیرزن نابینا در رخت‌شورخانه جنوب تهران، با گرفتن دست به میله برای حفظ تعادل پتوها را با پا می‌شست و در مقابل سؤال از او که با این همه محدودیت جسمی و ضعف توان و نداشتن چشم بینایی، چرا؟ پاسخ‌اش این بود که امام گفته "هر کس مکلف است به اندازه توان به جبهه کمک کند و من به اندازه توانم تکلیف دارم!" فرزندان همین اشخاص در جبهه، حماسه‌ها و فتح‌الفتوح طریق‌القدس، ثامن‌الائمه، فتح‌المبین، بیت‌المقدس، خیبر، والفجر ۸ و کربلای ۵ را خلق کردند و شرایط جبهه‌ها را از وضعیت اشغال به آستانه امکان سقوط صدام و حزب بعث تغییر دادند. فرماندهان نیز مسند و جایگاه و روحیه‌ای هم‌سطح رزمندگان داشتند و بالاتر از آن‌ها نبودند و در صحنه نبرد و شرایط سخت روش آن‌ها این نبود که به رزمنده دستور دهند برو جلو، به او می‌گفتند بیا جلو و همواره جلوی رزمندگان حرکت می‌کردند. رضایی و جعفری، شمخانی، صفوی، رشید، غلامپور، علایی، قربانی، فضلی، کیانی، اسدی، رودکی، همت، باکری، باقری، بقایی، شریعتی، قالیباف و قآنی، کوثری، دستواره، کریمی، خرازی و کاظمی، زاهدی، ابوشهاب، حیدرپور، رضائیان، کاوه و در سطح میانی، قوچانی، حبیب‌الهی، آقایی، ستوده، مهتدی، زجاجی، حمید باکری، چراغی و ده‌ها فرمانده معزز دیگر که امام آن‌ها را به عنوان برگزیدگان خدا در عصر حاضر برای یاری اسلام و نیز سپر دفاعی ملت نامید، یا شهید شدند و یا بارها شهادت آن‌ها را پس زد تا بمانند و به سرنوشت خود نائل آیند. محسن رضایی چند بار توسط امام خمینی منع شد که جلو نرود یا باکری در کنار و شانه به شانه بسیجی‌ها به شهادت رسید و همت سوار بر ترک موتور در خط مقدم که هنوز خاکریز نداشت به شهادت رسید، یا مرتضی قربانی سوار بر تانک جلوتر از بسیجی‌ها به سمت کارخانه نمک حرکت کرد یا عزیز جعفری در شلمچه چنان مجروح شد که او را شهید دانستند و فقط سرنوشت او را بازگرداند تا باقی مانده و نقش خود را ایفا کند. اینان که نام برده شدند و آنانی که نام مبارک‌شان نیامد، همه در مقابل امام مطیع محض بودند و هیچ‌گاه در مخیله آن‌ها این نبود که مقابل امام و رهبر خود بایستند. آن‌ها به هم‌گرایی جامعه کمک می‌کردند و فدا شدند. الگوی دفاع مقدس، نه توپ و تانک و آمریت فرماندهی و حکومت ژنرال‌ها، بلکه کم‌خواهی، کم‌دعایی و کار و کار و فداکاری و خلاقیت و کار جمعی و تصمیم‌گیری جمعی، شور و مشورت، مردم‌گرایی نه مردم‌ابزاری و فدای ملت شدن و فدای اسلام عزیز شدن بود. در آن الگو، خمینی آرزو داشت پاسدار باشد و اظهار می‌داشت که به حال بسیجی‌ها غبطه می‌خورد. او ساده‌زیستی را حیات طیبه ملت می‌نامید و پیش از هر قشر و طبقه، مسئولان و دولت‌مردان را به آن دعوت می‌کرد.

در الگوی دفاع مقدس، حفظ ارزش‌ها، حفظ نظام، منافع ملی، حفظ انقلاب، پیشرفت و توسعه با الگوی بومی و ملی، یکپارچگی اجتماعی، وحدت ملی، اتصال و چفت بودن ملت - دولت و تقدم ملت بر دولت‌مردان و گروه‌ها

الگوی دفاع

مقدس

واحزاب، موضوعیت داشت. در این الگو، هیچ‌گاه در پارادوکس منافع شخصی و منافع ملی، منافع شخصی رجحان و الویت نداشت، و اساساً منافع شخصی موضوعیت پیدا نمی‌کرد. الگوی سطح ملی این دوره انسجام ملی میان رهبری، ملت و دولت است. این الگو در سطوح خرد و کلان دارای دقایق دیگری نیز هست و اصولاً واجد یک گفتمان اجتماعی است که نیازمند تدبر و تألیف می‌باشد.

جامعه ایران، در امروز و فردا، برای پیشرفت و سازندگی، توسعه سیاسی، استقلال سیاسی و اقتصادی و تأثیرگذاری فراملی، نیازمند الگوی زیست دوران دفاع مقدس در درون جامعه و در جبهه‌های جنگ است. دفاع مقدس یک اتفاق در میان اتفاقات تاریخ ایران نیست، بلکه علاوه بر سرنوشت‌ساز و تاریخی بودن، یک الگوی زیست برای جامعه ایرانی است که در دوران معاصر فاقد الگوی عینی رفتار ملی بوده است. این الگو سخت و پرهزینه بدست آمده و در حال رنگ باختن و به حاشیه رفتن است؛ اگر چنین شود جامعه انقلابی ممکن است بار دیگر به جامعه عرفی، تسلیم و ستاینده الگوهای بیرونی تبدیل شود، و اگر چنین شود، دولت و جامعه ایران یک فرصت غیر قابل تکرار تاریخی را از دست می‌دهد و فرصت بعدی معلوم نیست وجود داشته باشد.

دفاع مقدس یک الگو است.

سال دهم □ شماره سی و ششم □ بهار ۱۳۹۰